

وقتی سیاست قانون را می بلعد



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

چهار اتفاق جدید بار دیگر از وضعیتی پرده برداشت که نامش را می‌گذاریم قانون خواری سیاست؛ وضعیتی که در آن سیاست به‌منابه منازعه قدرت، قانون را به طور کامل می‌بلعد و چیزی از آن باقی نمی‌گذارد.

۱- چهارشنبه گذشته عده‌ای می‌خواستند مقابل در اصلی دانشگاه تهران مجتمع شوند. از همان ابتدای روز اجازه ندادند تجمع برگزار شود. تجمع مجوز نداشت.

۲- کمی پیش‌ازاین، در چند جا عده‌ای در مخالفت با محمد جواد ظریف به‌عنوان همکار رئیس‌جمهور جمع شدند، سخنرانی کردند و شعار دادند. حتی در یکی از این تجمع‌ها سخنران تلویحا تهدید به قتل هم کرد. کسی کاری به آنها نداشت. آزادانه آمدند و گفتند و رفتند. تجمع‌ها مجوز نداشتند.

۳- چند روز پیش یک دانشجوی جوان بی‌گناه دانشگاه تهران در حمله زورگیرها هدف چاقو قرار گرفت و متأسفانه کشته شد. دانشجویان دست به حرکت اعتراضی زدند. نیروی انتظامی، مقامات قوه قضائیه و دولت به‌سرعت واکنش نشان دادند. فیلمی منتشر شد که در آن معاون اول، آقای عارف با یکی از بستگان مقتول گفت‌وگوی تلفنی دارد و دلجویی می‌کند.

۴- در همین روزها د‌ختر ۱۸ساله‌ای در حال فرار از دست زورگیران از پل عابر پیاده سقوط کرد و به‌شدت مجروح شد و از ناحیه کمر آسیب‌های زیادی دید. کسی اطلاعیه‌ای نداد. کسی با خانواده این دختر حرف نزد. کسی سراغش را نگرفت.

این وقایع دو به دو مشابه‌اند. اما شیوه مواجهه سازمان‌های مسئول و اشخاص صاحب‌منصب با آنها کاملا متضاد است.

در دو نمونه اول هر دو گروه، تجمع بدون مجوز دارند. در یکی از آنها از تجمع ممانعت می‌شود. در تجمع دیگر سخنران و حاضران بدون تشویش خاطر، حرف و شعارشان را می‌گویند و می‌روند. یک برخورد دوگانه.

در دو نمونه دوم زورگیران موجب یا مسبب مرگ و آسیب جدی دیگری می‌شوند. در یکی که ارزش خبری بیشتری دارد، همه مقامات کشوری و انتظامی بلافاصله وارد می‌شوند.

موضوع می‌گیرند. سیستم پلیسی و قضائی برای یافتن مجرم‌ان به حرکت درمی‌آید، اما در د دیگری و چند نمونه مشابه دیگر فقط یک خبر چندخطی در رسانه‌ها منتشر می‌شود. واکنشی نیست، حتی پیگیری خبری هم نشده است که آن دخترک جوان معصوم الان در چه حال است. در موارد دیگری که بر اثر زورگیری قتل اتفاق افتاده هم سکوت و انفعال دیده شد. در قانون اساسی و قوانین دیگر می‌توانیم که همه در برابر قانون مساوی‌اند. نظام حکمرانی باید همه را به یک چشم ببیند. قانون اگر یک جا باشد و یک جا نباشد، دیگر قانون نیست.

در دو نمونه اول، اگر قائل به لزوم اخذ مجوز برای تجمعات باشیم، باید از برگزاری هر دو تجمع جلوگیری می‌شد. اگر معتقد باشیم تجمعات نیازی به اخذ مجوز ندارند، باید هر دو تجمع برگزار می‌شدند. اما یک تجمع بی‌مجوز برگزار شد و دیگری نه. چرا؟

در دو نمونه دوم اگر حوادث جسمی و قتل ناشی از زورگیری اهمیت دارد، به همه قربانیان باید به یک چشم نگاه می‌شد. نه اینکه برای یک مورد همه دستگاه‌ها به کار بیفتند و برای بقیه کسی چیزی نکوید و به‌سادگی از کنارش بگذرند. چرا؟

پاسخ این پرسش سیاستی است که از شدت چاقی مفرط چیزی از قانون نگذاشته و با بلعیدن آن روزبه‌روز چاق‌تر می‌شود.

در نمونه تجمع‌ها، جریان‌ها و کسانی که در سیاست گرایشی و خواسته‌هایی دارند، موافق طبع بخش‌های قدرتمندتر سیاسی کشور، تقریبا از قید هر قانونی آزادند. از حمله به سفارتخانه و کنسولگری تا تجمعات دیگر و توهین و تهدید. برای نقض قانون مشکلی ندارند و از امنیت کامل برخوردارند. اما آن جریان‌هایی که فاقد این‌سطح از مقبولیت‌اند، از قانون حمایتی نمی‌بینند. آنها حتی اگر رفتاری خلاف قانون هم نداشته باشند، باز هم قادر به انجام خیلی کارها و گفتن حرف‌ها نیستند.

در نمونه زورگیری هم سیاست به شکل دیگری قانون را می‌بلعد. درباره قتل دانشجوی جوان، سیاست‌مداران صاحب‌منصب عمیقا از واکنش نگران می‌شوند. درواقع چون این قتل آثار سیاسی می‌توانست داشته باشد، ترس بر ایشان چیره شد. انگیزه آسان‌دوستی نبود، در انسان‌دوستی چه فرقی میان آن پسر دانشجویی بی‌گناه ۱۹ساله و آن دختر ۱۸ساله و دیگری وجود دارد که بر اثر زورگیری مصدوم یا مقتول شده‌اند؟

چهارشنبه ۱ اسفند ۱۴۰۳
۲۰ شعبان ۱۴۴۶
۱۹ فوریه ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۵۴
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه
نامه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: سخنگوی دولت: شب‌نه، تکلیف کنکوری‌ها مشخص می‌شود • صلح خزر در تهران • در اوج زندگی تمام شد • یادداشت‌هایی از ابراهیم ایوبی و مهدی عرب‌صادق

آیا پاجوش‌ها در پس نزاع خود با قالیباف رؤیای فتح شعام را در سر می‌پروراند؟

سودای دبیرخانه

بررسی جشنواره چهل‌وسوم بعد از ۳ دوره پ‌ر تلاطم در گفت‌وگو با کمال تبریزی و علیرضا رئیسیان

«سیمرغ»

باید پوست بیندازد



این گفت‌وگو را در صفحه ۹ خوانید.عکس: سینداتی، شرق

ویدئو این گفت‌وگو را در یوتیوب شرق ببینید

یادداشت

حاکمیت، مردم و وفاق



محمد رضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

متعارف است. به نظر می‌رسد دولت چهاردهم به این موضوع توجه کافی نداشته است. اتخاذ سیاست‌های اقتصادی، مالی و پولی و ارزی حکایت از عدم درک مقامات کشور درباره دامنه‌توان پذیرش مردم دارد. شاید یکی از علل آن تداوم فرارگرفتن افراد در مقامات مختلف کشور بوده که مانند قانون انرژی که از بین نمی‌ود، بلکه از پستی به پست دیگر تغییر می‌یابند، موجب شده تا توان فهم صبر و تحمل از آنان سلب شود. آنان شاید نمی‌دانند که بی‌توجهی به زندگی مردم موجب خواهد شد مشارکت حتی از انتخابات ۱۴۰۲ نیز بیشتر

یادداشت

چرا پروژه «ایران ضعیف» واقعی نیست؟



محمد محمودی‌کیا*

تحولات پرشتاب و گاه دور از انتظار در خاورمیانه چنان از مسیر طبیعی خود خارج شده که به پیدایش و گسترش طیفی از تحلیل‌های سیاسی در مجامع رسانه‌ای و حتی اظهارنظرهای مقامات دولتی منجر شده که محور تمام این طیف تحلیل‌ها و خط خبری، تضعیف ایران و به تحلیل رفتن قدرت منطقه‌ای آن است. به طور مشخص جرقه شکل‌گیری این تحلیل‌ها به تحولات ماه‌های پایانی در عرصه میدانی بحران در غزه بازمی‌گردد؛ دقیقا از وقوع ترور گسترده فرماندهان میانی حزب‌الله از طریق دستکاری در پیجرها، ترور جمعی از فرماندهان ارشد مقاومت اسلامی لبنان و دست آخر ترور سید شهدای مقاومت، سیدحسین نصرالله و رئیس شورای اجرائی حزب‌الله، سیدهاشم صفی‌الدین، این جریان تحلیلی آغاز و با فروپاشی سریع و غیرمنتظره دولت دمشق به اوج خود رسید و این رخدادها از منظر این طیف از تحلیل‌ها دقیقا به معنای قطع شاهرک حیاتی و مسیره‌های جبهه پشتیبانی ایران از بازوهای نیابتی خود در منطقه بود. اما این سؤال در افکار عمومی و نیز محافل تحلیلی و خبری جهانی هنوز مطرح است که آیا ایران در پس این تحولات تضعیف و از قابلیت‌های گذشته خود متنوع شده است؟

طبعاً هرگونه پاسخ به این سؤال باید بر سویه پنداشت‌ها و نیز سیاست‌های اعلانی و اعمالی دیگر بازیگران منطقه‌ای و حتی قدرت‌های فرمانطقه‌ای مؤثر باشد.

در بین تحلیلگران سیاسی غربی، فرید زکریا، خبرنگار و تحلیلگر سرشناس سی‌ان‌ان اخیرا مدعی شد جمهوری اسلامی ایران به طرز بی‌سابقه‌ای ضعیف شده و برای بقای خود شدیدا نیازمند سرمایه و تکنولوژی خارجی است و حاضر است به شرط برچیده‌شدن تحریم‌ها و ادغام در جامعه جهانی بر سر برنامه اتمی خود با دولت ترامپ معامله کند. این کارشناس بنام مسائل خاورمیانه، در گفت‌وگو با هفته‌نامه فرانسوی «اکسپرس» اظهار کرده را مهرد حکومت ایران در دو دهه گذشته بر پیشیانی نیروه‌های نیابتی‌اش (حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها و پشار اسد) برای مقابله با آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن (اسرائیل، عربستان و امارات) مبتنی بوده و این پشتیبانی راهبردی امروز کاملا از بین رفته، به طوری که جمهوری اسلامی

ایران از زمان حمله صدام حسین به ایران در سال ۱۹۸۰ به اندازه امروز ضعیف نبوده است. این تنها یک مثال از میان تحلیل‌های پرچشم روزهای اخیر با دلالت بر تضعیف ایران و ضعف در قدرت منطقه‌ای آن است. اما واقعیت امر چیست؟ آیا ایران اساسا از نیروهای نیابتی برخوردار است که تضعیف آنها به تضعیف ایران بینجامد؟ آیا ابتکار عمل از ایران گرفته شده است؟ آیا ایران در موضع ضعف و انفعال قرار دارد و همچون گذشته نمی‌تواند بر نامه‌ها، منویات و مطلوبات خود را در عرصه منطقه‌ای دنبال کند؟

طبعاً پاسخ مبسوط و تحلیلی به تمام این سؤالات در فرصت محدود یک یادداشت مطبوعاتی امکان‌پذیر نیست با

کاهش باید. اتخاذ سیاست‌های مالیاتی همراه با شرایط رکودی فشار بیشتری به تولیدکنندگان وارد می‌آورد. گران‌کردن خدمات دولتی به خانوارها به بهانه‌های مختلف، موجب فشار بیشتری بر خانوارهای ضعیف می‌شود. سیاست‌های ارزی موجب افزایش نقدینگی و تورم خواهد شد. فروش یک میلیون سکه با این گمان که نقدینگی را کنترل می‌کند، صرف‌نظر از از دست‌دادن منابع ملی، فضای دلالی را تشویق می‌کند و از طرفی به رکود دامن خواهد زد. برای رهایی از وضعیت کنونی لازم است از همه ظرفیت‌های موجود استفاده شود.

یکی از محورهای وفاق که می‌تواند برای مردم نیز دستاوردی داشته باشد، این است که با توجه به اینکه بخش عمومی غیردولتی مانند بنیادها و قرارگاه‌ها و… که سهم بزرگی از اقتصاد ایران را در اختیار خود دارند، با دولت مدعی وفاق هماهنگ شوند. پروژه‌های خود را با توجه به نیازهای دولت تداوم قرارگرفتن افراد در مقامات مختلف کشور بوده که مانند قانون انرژی طرح‌های با بازدهی بالا که در توان مالی و تخصصی بنیادهای پادشاه است، گروهی را تعیین کند. تحقق این نکته می‌تواند تا حدی به کاهش آلام زندگی مردم بینجامد.

رهبر انقلاب در دیدار دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه:

طرح احمقانه آمریکا

برای غزه

به هیچ‌جا نخواهد رسید

۲

برگزیده‌ها

آبی پوشان با دو گل الریان را جا گذاشتند و به مصاف النصر می‌روند

استقلال گل کاشت

بررسی جایگاه تهران در معادلات ترامپ-پوتین در گفت‌وگو با رحمن قهرمان‌پور

تهران باید فوری تصمیم‌گیری کند

جزئیات جلسه بررسی لایحه بودجه شهرداری تهران

بودجه نجومی

وعده‌های محقق نشده

دوبلور «پوآرو» درگذشت

۱۲

یادداشت

اشک اروپایی‌ها و

فرصت‌سازی از تهدید



غلامرضا نظربلند

تحلیلگر

رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ در اجلاس اخیر آن در واکنش به سخنان معاون رئیس‌جمهور آمریکا با بیان این جمله که «ما از اینکه ارزش‌های مشترکمان دیگر مشترک نیستند، باید خوفناک باشیم» به گریه اقتصاد و تریبون سخنرانی را ترک گفت. اذعان به واگرایی ارزش‌های دو کرانه‌نشین آتلانتیک به شرح بالا، از نگرانی آمریکا از «عقب‌نشینی اروپا از برخی از اساسی‌ترین ارزش‌های خود» که توسط نماینده عالی‌رتبه آمریکا در آن اجلاس ابراز شد هم مستفاد می‌شود. نمونه‌هایی که معاون رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان مصادیق عقب‌نشینی اروپا از ارزش‌های آتلانتیکی برشمرده است، هیچ‌کدام کلان‌روایتی نیست که بتوان از آن فرارسیدن خزان دموکراسی در اروپا و نابودی آن را نتیجه گرفت. افزون بر این، مواردی چون «دادیده‌گرفتن مردم و نگرانی‌های آنان»، «ساکت‌کردن رسانه‌ها»، «عدم برگزاری انتخابات» بیشتر به لفاظی می‌ماند و اینکه «اگر از آی‌دهندگان خود در هراس هستید، آمریکا هیچ کاری برای شما نمی‌تواند انجام دهد»، موهن و تحقیرآمیز است؛ واقع امر آنکه این مسوارد را نمی‌توان موجد شکاف عمیق بین ارزش‌های اخلاقی و آرمانی کرانه‌نشینان آمریکایی و اروپایی دو سوی اقیانوس اطلس دانست. از این رو، باید به زرفارفت و عمیق قضیه را کاوید.

به نظر می‌رسد که آوارشدن تدهمزاجی و کلفت‌گویی آمریکا ترامپ سراسر اروپای مهد روشنگری و گفتمان دموکراسی ناشی از نگاه تحقیرآمیز رئیس‌جمهور بی‌ریشه آمریکا به جهان منهای کشور متبوعش و مهم‌تر از آن، اراده سیاسی هسته قدرت نیکه دنیا در دوره جاری زمامداری است. این اراده مبتنی بر هژمون‌طلبی اینک بر طبل سیاست وحشت که دیپلماسی فرسوده قایق‌های توپ‌دار را تداعی می‌کند، می‌کوبد. بدیهی است که اعمال و اجرای چنین سیاستی از جمله نیازمند کارگزاری دارای اعتمادبه‌نفس بیش از حد، پرحاشیه و جنجالسی و ترمزبزیده است تا با گرفتن دنده‌عقب، هنجارهایی که پس از بروز دو جنگ جهانی بدل به گفتمان روابط بین‌الملل شده و از جمله بر عدم تعرض به منظور به‌دست آوردن سرزمین دیگران تأکید می‌ورزد را به دور نهد و به خونبار ناهنجار روی آورد.

در تبیین چرایی و چیستی رویکرد آمریکا در قبال متحد اروپایی خود و مشخصا جنگ اوکراین و حاتم‌بخشی ترامپ باید به منظومه فکری زمامدار بازگشتی آمریکا و سیاستی که او را بعد از یک دوره انتخاباتی ناگام برگشید و به دفتر بیضی (oval office) بازگرداند، مراجعه کرد.

۴۵

صفحه ۵

۴۵

صفحه ۵